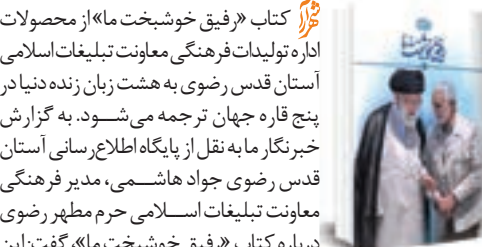


ترجمه «رفیق خوشبخت ما» به ۸ زبان



اثر به منظور بزر گداشت چهلمین سالگرد هفته دفاع مقدس با موضوع بررسی شخصیت جهادی خستگی ناپذیر شهید بزر گوار «شهید پاسدار حاج قاسم سلیمانی» از سوی ادارهٔ توليدات فرهنگي معاونت تبلیغات اسلامي آستان قدس رضوی تهیه، چاپ و منتشر شد و به مناسبت فرا رسیدن اولین سالگرد شهادت او به زبان‌های عربی، انگلیسی، اسپانیایی، روسی، ترکی استانبولی، فرانسوی و اردو تر ترجمه و برای پهر مندی دوستداران و عاشقان آن شهید بزر گوار در نقاط مختلف دنیا منتشر می‌شود.علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت haramrazavi.ir و دانلود رایگان «رفیق خوشبخت ما» این کتاب را تهیه کنند.

دور از جان

مجموعه داستان‌های کرونايي منتشر می‌شود

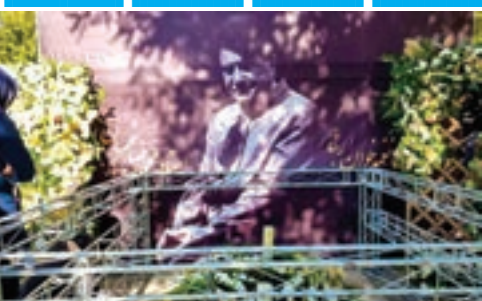
گروه فرهنگ: کتاب‌های «دور از جان»، «۱۶ تکه استخوان»، «وسنی»، «چشم‌ان دجله»، «در محضر کتل» در حوزه داستان و رمان، خاطرات شفاهی و زندگینامه از سوی نشر ستاره‌ها در مشهد به‌زودی روانه بازار می‌شود.مدیر روابط عمومی نشر ستاره‌ها با اعلام این خبر به شهرآرا درباره موضوع کتاب‌ها گفت: کتاب «دور از جان» مجموعه داستان‌های کرونايي به مدیریت نویسندگی سعید تشکری است که گروه نویسندگانی متشکل از محمود خرقانی، یزدان تولیده، بهار قانع‌نیا و حسین شرفخانو آن را نوشته‌انداین کتاب‌از دل فراخوان «مثل آوینی به روایت تو» نشر ستاره‌ها، تهیه و به شهدای مدافع سلامت تقدیم شده است. به گفته محسن ذوالفقاری، کتاب «وسنی» «به معنی هوو، به قلم سعید تشکری هم رمان نوجوان است و روایتگر سرگذشت نوجوانی است که به خاطر ظلم پدر به مادرش، از خانه فراری می‌شود.مدیر روابط عمومی نشر ستاره‌ها، با بیان اینکه «۱۶ تکه استخوان» خاطرات و زندگینامه محمد اسدی، شهید مدافع حرم است و آن را طایفه می‌زنائی نوشته است، گفت: اسدی معروف به «غلام عباس»، دانشجوی حقوق بوده است و در عراق مدافع حرم می‌شود و در اولین اعزام به سوریه به شهادت می‌رسد. اما می‌زنائی در کتاب «چشم‌ان دجله» که مربوط به خاطرات شفاهی فرماندهان و رزمندگان جنگ تحمیلی است، زندگی سردار محمود باقرزاده را که از ناحیه چشم در جبهه نابینا می‌شود، روایت کرده‌است.ذالفقاری درباره کتاب «در محضر کتل» نیز گفت: این کتاب در حوزه خاطرات شفاهی فرماندهان و رزمندگان نشر ستاره‌ها قرار می‌گیرد و خانم مه‌ری غلامپور، درباره سر تیپ خلبان عباس پورولی آن را نوشته است.

تصویربرداری «المیادی‌ها» در اخلمد

تصویربرداری قسمت اول سریال «المیادی‌ها» با بازی رضا رویگری و بهنوش بختیاری در مشهد و در روستای گردشگری اخلمد انجام‌شد.اولین اپیزود سریال المیادی‌ها به کارگردانی حسن حجنگدار از چندی پیش در زاده‌گاه این کارگردان مقابل دوربین رفته و به پایان رسیده است. این مجموعه به تهیه‌کنندگی غلامحسین حبی‌ری در هشت‌قسمت نوددقیقه‌ای برای بخشی در سینمای خانگی تولید می‌شود و پس از اتمام تصویربرداری اپیزود اول، سایر اپیزودهای مجموعه مقابل دوربین خواهد رفت.رضا رویگری، شهنام شبایی، بهنوش بختیار، حسن حجنگدار، علیرضا شیخ‌الاسلام، کیانوش گرامی، سعیده عرب، شهرام لاسمی، علیرضا سوزنجی و... گروه بازیگران این پروژه را تشکیل می‌دهند. دیگر بازیگران نیز از بین نوجوانان و جوانان منطقه اخلمد و بازیگران بومی شهرهای مشهد، شیراز و اصفهان و مازندران انتخاب شده‌اند. قسمت اول المیادی‌ها با عنوان «بزن بریم بهشت» ضبط شده است. در خلاصه داستان این بخش به قلم خزر مهران فر آمده است: «شب با یک رویایی بی‌نظیر، با خوردن اکسیر، سر بر بالش می‌گذاری و صبح بیست سال جوان می‌شوی…»

مدیرکل میراث فرهنگی استان:

شرایط برای نصب سنگ مرار شجریان مهیاست



بعد از گذشت ۷۸ روز از گذشت استاد محمد رضا شجریان هنوز سنگ مرار او نصب نشده‌است، این اتفاق نیز باعث واکنش برخی کاربران در فضای مجازی شده‌است. از همین رو روز گذشته مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی با اعلام اینکه طراحی و تهیه سنگ مرار برای نصب بر مقبره استاد فقید محمد رضا شجریان از سوی خانواده آن مرحوم در حال انجام است به حواشی اخیر واکنش نشان داد. ابوالفضل مکر می‌فر در این‌باره به خبرگزاری ایرا گفت: طراحی و تهیه این سنگ مرار ویژه، با توجه به محل نصب آن در محوطه باغ آرامگاه فردوسی و ثبت این اثر شاخص در فهرست آثار ملی ایران مستلزم رعایت ویژگی‌ها و موازین خاص در چار چوب قوانین و ضوابط میراث فرهنگی کشورمان است.

به گفته او این موازین قانونی و ضوابط میراث فرهنگی در چار چوب صورت‌جلسه و تفاهم‌نامه امضا شده از سوی مسئولان ذی‌ربط در خراسان رضوی و خانواده مر حوم شجریان اعلام و تشریح شده‌اند. مکر می‌فر استناداردهای مشخص شده در این تفاهم‌نامه را شامل مواردی همچون لزوم فقدان برجستگی در سنگ مرار، ابعاد معین آن و موارد مشابه ذکر کرد که مورد توافق لازم قرار گرفته و لازم‌الاجرا هستند.

این مقام مسئول یادآور شد: زیرسازی لازم نیز برای نصب سنگ مرار انجام شده است. همچنین طراحی و ساخت سنگ مرار مر حوم شجریان بر عهده خانواده آن استاد فقید است بنابراین اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی و یا مدیریت مجموعه باغ آرامگاه فردوسی، هیچ‌گونه دخالتی در این امر ندارند. نصب سنگ مرار مطابق توافق‌های امضا شده در تفاهم‌نامه، مهیا بوده و بلا مانع است.

شهرآرا

روزنامه شهرامید زندگی

ا شنبه

۰۷ دی ۱۳۹۱ ۱۳۹۱ شمهرامید ۳۳۸۵

1۵



فرهنگ و هنر

«خانه» آنجاست که توباشی

گپ و گفت با کارگردان مستند «خانه»، فیلمی که بخشی از زندگی مهاجران افغانستانی در ایران را روایت می‌کند

در این قالب ملموس تر است. اگر قرار است در سینما روی این موضوعات کار شود، باید به خودمان به عنوان کارگردان این زحمت را بدهیم که از منظری به موضوع نگاه کنیم که برای مخاطب جالب باشد و در عین حال با گروهی که داریم درباره آن‌ها فیلم می‌سازیم هم برخوردی صادقانه داشته باشیم. فکر می‌کنم در سینمای ایران موضوع مهاجران افغانستانی هنوز خیلی جای کار دارد. نزدیک به ۳ میلیون مهاجر افغانستانی در طول چهار دهه گذشته در کنار ما زندگی می‌کنند و با چالش‌های قانونی و فرهنگی فراوانی روبه‌رو هستند، متأسفانه در سینمای ایران به اندازه‌ای که باید روی این سوژه کار نشده اگر هم شده کلیشه‌ها را باز تولید کرده‌ایم.

● ساختار کشوری مهاجریذیر رانداشته ایم
سالاری درباره اینکه چرا مهاجران افغانستانی بعد از چهل سال زندگی در ایران مشکلات مختلفی دارند می‌گوید: ایران هیچ گاه ساختار یک کشور مهاجریذیر نداشته است. ورود مهاجران افغانستانی به ایران در سال‌های بعد از انقلاب و اوایل جنگ اورژانسی بوده است. بیشتر کشورهای منطقه ما مهاجریذیر هستند در حالی که خود این کشورها آسیب‌پذیر هستند و ساختار درستی برای پذیرش مهاجر ندارند. کشورهای اروپایی به دلیل زیرساخت مناسبی که داشته‌اند با این موضوع برخورد مناسب‌تری داشته‌اند اما فراموش نکنیم که جمعیت مهاجران در اروپا بسیار کمتر از جمعیت مهاجران در خاورمیانه است. یک بخشی از این موضوع به این ربط دارد که در این‌باره در کشور ما فرهنگ‌سازی نشده است. به هر حال زمانی که شما به عنوان یک شهروند درجه یک اطلاعات کافی داشته باشید مطالبه هم خواهی داشت و جامعه و نهادهای حاکمیتی را به چالش می‌کشید، برای اینکه قوانین را تغییر بدهید و ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی را برای مهاجران فراهم کنید. متأسفانه در کشور ما بسیاری از اعضای جامعه در این باره آگاهی ندارند. به نظر من در کنار مشکلات و مسائل مختلفی که برای افغانستانی‌ها در ایران وجود دارد مسائل فرهنگی چالش برانگیزتر است و می‌تواند شرایط را برای مهاجران سخت‌تر کند و این فرهنگ‌سازی باید از خود مردم شروع شود و مسئولیت فردی ماست.



افغانستانی چه کمکی می‌تواند به طرح مشکلات آن‌ها در ایران کند می‌گوید: طبیعتا پرداختن به هر موضوعی می‌تواند آگاهی‌سازی کند و سینما از این جهت ابزار قدرتمندی است. چون می‌تواند آگاه‌سازی را از طریق قصه و منقلب کردن احساسات آدم‌ها انجام بدهد. هیچ اتفاق آگاهی‌سازی فرهنگی برای انسان اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه درک آن موضوع و درک چالش‌هایش به صورت شخصی برای آن فرد اتفاق بیفتد و مخاطب تجربه‌ای از رویارویی با آن رنج به دست آورد که این رویارویی باعث شود رویکرد خود را نسبت به موضوع عوض کند.

من فکر می‌کنم سینما در رابطه با مسائل نژادپرستی که در جامعه ما درباره افغانستانی‌ها وجود دارد، می‌تواند کمک‌کننده باشد، چون ابزاری است که ما از طریق آن می‌توانیم با شخصیت‌ها. همذات‌پنداری کنیم. برای خود من پرداختن به این موضوع از طریق یک خانواده خیلی مهم شد. واحد خانواده می‌تواند خیلی کمک کند تا ما با موضوعات مختلف همذات‌پنداری کنیم. خانواده به ما فرصت تجربه مفاهیم انسانی را می‌دهد و دیدن این چیزها از سوی مخاطب ایرانی و

نزدیک به سه سال ارتباط داشتم. همچنین صحبت کردن از تجربه‌های خودم به عنوان مهاجر، رابطه‌ای متفاوت بر پایه تعامل را شکل داد و صرفا من در نقش گیرنده نبودم. هر چند که در فیلم مستند شما به عنوان کارگردان یک نوع گیرنده هستید و داستان و قصه را دریافت می‌کنید. من سعی می‌کنم همیشه روند تولید برای اعضای گروه لذت‌بخش باشد. راز دوم در این است که وقتی شما قرار

نزدیک به سه سال ارتباط داشتم. همچنین صحبت کردن از تجربه‌های خودم به عنوان مهاجر، رابطه‌ای متفاوت بر پایه تعامل را شکل داد و صرفا من در نقش گیرنده نبودم. هر چند که در فیلم مستند شما به عنوان کارگردان یک نوع گیرنده هستید و داستان و قصه را دریافت می‌کنید. من سعی می‌کنم همیشه روند تولید برای اعضای گروه لذت‌بخش باشد. راز دوم در این است که وقتی شما قرار

نزدیک به سه سال ارتباط داشتم. همچنین صحبت کردن از تجربه‌های خودم به عنوان مهاجر، رابطه‌ای متفاوت بر پایه تعامل را شکل داد و صرفا من در نقش گیرنده نبودم. هر چند که در فیلم مستند شما به عنوان کارگردان یک نوع گیرنده هستید و داستان و قصه را دریافت می‌کنید. من سعی می‌کنم همیشه روند تولید برای اعضای گروه لذت‌بخش باشد. راز دوم در این است که وقتی شما قرار

نزدیک به سه سال ارتباط داشتم. همچنین صحبت کردن از تجربه‌های خودم به عنوان مهاجر، رابطه‌ای متفاوت بر پایه تعامل را شکل داد و صرفا من در نقش گیرنده نبودم. هر چند که در فیلم مستند شما به عنوان کارگردان یک نوع گیرنده هستید و داستان و قصه را دریافت می‌کنید. من سعی می‌کنم همیشه روند تولید برای اعضای گروه لذت‌بخش باشد. راز دوم در این است که وقتی شما قرار

تهران شد، با محمد تقی (شخصیت اصلی فیلم) به خانه‌شان رفتم. حضور طولانی من در خانه خانواده صفری باعث شد بتوانم علاوه بر اینکه با نسل دوم مهاجران آشنا شوم، با نسل اول و سوم هم ارتباط بگیرم و به تفاوت‌های بین‌نسلی توجه کنم. او در ادامه با اشاره به مشکلاتی که ساخت فیلم مستند برای کارگردان‌ها دارد می‌گوید: در فیلم مستند بخش زیادی از روند تولید ناشناخته است، شما باید خود را با شرایطی که پیش می‌آید، تطبیق دهید و طوری شرایط را مدیریت کنید که این تطبیق هم از لحاظ فکری و محتوایی اتفاق بیفتد و هم از لحاظ سینمایی و تکنیک‌های کار.

● کارگردان مستند «خانه» که خود فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از دانشگاه هنر تهران است، در پاسخ به این سؤال که چه شد این سوژه را برای ساخت انتخاب کرده است می‌گوید: من سال ۲۰۱۱ از ایران به اروپا مهاجرت کردم، بیشتر ساکن فرانسه بودم اما در کشورهای دیگری هم زندگی کردم. تجربه زیستی خودم به عنوان یک مهاجر باعث شد که به وضعیت مهاجران افغانستانی در ایران توجه کنم به خصوص شرایط نسل دوم مهاجران که با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند. این دغدغه‌ها باعث آشنایی من با دانشجویان افغانستانی دانشگاه

یکی از نکاتی که در مستند خانه بسیار به چشم می‌آید حضور نامحسوس دوربین در سکانس‌های مختلف است، به طوری که اصلا حضور دوربین احساس نمی‌شود، سالاری در این باره می‌گوید: رازی که در نزدیکی شخصیت‌ها در برابر دوربین در فیلم مستند وجود دارد، توانایی ایجاد یک رابطه عمیق بر پایه احترام و اعتماد، بین کارگردان و شخصیت‌های حاضر در فیلم است. شخصیت‌ها بازیگر نیستند و قرار نیست بازی کنند، آن‌ها باید شما را در فضای خصوصی‌شان ببیزیند. من با خانواده صفری

درباره «ناگهان درخت» به کارگردانی صفی یزدانیان

که اکران آنلاین می‌شود

عاشقانه هدر شده

محمد عنبرسوز

خوش ساخت طرف خواهیم بود که بالآخر از لحاظ بصری، استانداردهای بالایی را رعایت کرده و از نظر خلاقیت‌های پر تعدادش در مقام مقایسه با الگوهای رایج سینمای ایران، اثری قابل احترام لقب خواهد گرفت که بالاتر از متوسط سینمای ایران ارزیابی می‌شود. از نظر شاخصه‌های سینمایی مختلف، اعم از تکنیکی و هنری، «ناگهان درخت» حتی نسبت به فیلم قبلی صفی یزدانیان نیز وضعیت بهتری دارد. کیفیت سه عنصر موسیقی، تدوین و فیلم‌برداری در این اثر بسیار بالاست و از بلوغ فیلم‌ساز در مقام یک هنرمند مسلط به مدیوم سینما و احترام ویژه‌ای که او برای مخاطبش قائل است، حکایت دارد. هم‌ایون پایور، فیلم‌بردار سابقه سینمای ایران که دومین اثر صفی یزدانیان در مقام کارگردان، چند روزی است که به دلیل تعطیلی سینماها، وارد چرخه اکران آنلاین شده و نظرات متفاوتی را به همراه داشته است.

«ناگهان درخت»، را در مقیاس استانداردهای امروز سینمای ایران و در نسبتش با دو گانه کمدی – اجتماعی رایج، حتی سخت‌گیرترین منتقدان هم نمی‌توانند یک فیلم بد بدانند. این اثر هیچ نشانه‌ای از شیطنه‌های رسوم فیلم‌سازان ایرانی و تاتلش‌های مذبح‌خانه رایج برای خودنمایی با اتسکا به تکنیک‌های سینمایی ندارد. مسئله اما بر سر این است که «ناگهان درخت» را باید با فیلم تحسین شده «در دنیای تو ساعت چند است؟» مقایسه کنیم یا اینکه آن را یک اثر جداگانه بدانیم؟ به نظر می‌رسد اگر «ناگهان درخت»، را به عنوان گام دوم صفی یزدانیان در مسیر حرفه‌ای فیلم‌سازی‌اش در نظر بگیریم، چاره‌ای جز این نخواهد بود که حاصل کار را یک عقب‌گرد تمام عیار بدانیم؛ زیرا این فیلم در مجموع نیمی از جذابیت‌های اثر قبلی کارنامه کارگردانش را نیز همراه خود نمی‌بیند. در مقابل اما اگر آن را یک فیلم مستقل در نظر بگیریم، با اثری باکیفیت و



ساخته پیتر ساتلر، با کرستن استوارت مشهور هم‌بازی شد. با این حال، حتی تبدیل شدن به یک بازیگر بین‌المللی هم برای او کافی به نظر می‌رسید؛ زیرا فیلم دومش با نام «جیب یک عاشقانه» و تجربه تهیه‌کنندگی برای یک کارگردان دیگر در «ناگهان درخت»، نشان می‌دهند که معادلی به دنبال آن است که چیز تازه‌ای به سینمای ایران اضافه کند. اصلا بنا نداریم که تأثیرگذاری صفی یزدانیان در «ناگهان درخت» و جایگاهش به عنوان خالق اثر نادیده بگیریم؛ اما روشن است که شخصیت پیمان معادی هم، به اندازه‌ای که از این هنرمند بااستعداد انتظار می‌رود، در رنگ‌آمیزی نقش فرهاد مؤثر بوده و همین موضوع اجازه نمی‌دهد که فیلم به روگرفتی از اثر قبلی کارگردان تبدیل شود. «ناگهان درخت» شاید فیلم شاهکاری نباشد و منتقدان ممکن است به هزار و یک دلیل دوستش نداشته باشند، اما برچسب تکرار به آن نمی‌چسبد؛ زیرا پیمان معادی را، در قامت تهیه‌کننده و بازیگر نقش اول، همراه خود می‌بیند.

فیلم به لحاظ فضاسازی، در حدی که از عوامالش انتظار می‌رود، موفق ظاهر نشده و گاهی با ارجاجات پررنگ و زیاده‌روی در ژست‌های روشنفکرانه، مخاطب را دلزده می‌کند. دقیقا مشخص نیست کارگردانی که می‌تواند با یک بازیگر مسن و گمنام به نام زهره عباسی، مادری تاین حد باورپذیر و دوست‌داشتنی خلق کند که نامزد سیمِرح

هم بشود، چرا زوج محراب قاسمخانی و شقایق دهقان را برای آن نقش‌های فرعی بی‌تأثیر انتخاب کرده. از کارگردانی که قادر است طبیعت توریستی شمال ایران را این‌طور سینمایی به فرم برساند و در زوروق موسیقی ناب کریستوف رضاعی چنین مترجمانه تقدیم مخاطب کند، انتظار نمی‌رود که ایده سیاسی خود را آن‌قدر بی‌ظرافت و پرداخت نشده فریاد بزند که از همان نخستین اکران‌های فیلم در جشنواره، حرف و حدیث‌هایی درباره توقیفش به گوش برسد. روایت در «ناگهان درخت» پر از ظرفیت است و حرف‌هایی که کارگردان از تریبون سینما می‌زند، آن‌قدر عمیق هستند که نمی‌توانیم بساور کنیم او، برای صیقل زدن شخصیت اصلی فیلمش، راهی بهتر از گفت‌وگو با آن روانکاو نجسب و باورناپذیر پیدا نکرده باشد. در نهایت، جای تعجب و البته تأسف است که گروه هنرمندان متبحر و خلاقه‌ای که می‌توانند بدون پر حرفی و استفاده از یک پیرنگ قریه و پراقتناق، از چند ترند ساده از جنس زندگی، سینما بیافرینند و اصرار دارند که وقت خود را با این همه راجع روشنفکرانه به موسیقی و کتاب و فیلم هدر بدهند. «ناگهان درخت» فیلم خوبی است، اما می‌توانست به یک شاهکار در سینمای ایران تبدیل شود؛ در حدی که منتقدان سال‌ها از آن حرف بزنند و استنادن سینمانسخه باکیفیتش را به هنرجویان جوان معرفی کنند.